

در سنامه‌ی کتاب
«گفتار در روش» دکارت

محمد رضا عطایی

موسسه مطالعاتی رخداده تازه

باور به داشتن ذهنی روشن، خودش عامل
تاریک شدن ذهن بوده و قدرت گوش
دادن به عقیده‌های مخالف و فکر کردن را
از ما می‌گیرد.^۱

در تاریخ فلسفه که نگاه می‌کنی می‌توان غول‌های متعددی را نام برد و در کنار آنها افراد بزرگی نیز حضور دارند، اما تنها عده‌ی معدودی هستند که در بین فلاسفه به عنوان غول‌هایی بزرگ خود نمایی می‌کنند و بی‌شک می‌توان جناب رنه دکارت را در میان این دسته هم یک غول بسیار بزرگ دانست. کسی که تاریخ فلسفه را برای همیشه تغییر داده و عقل را به عرصه‌ی زندگی روزمره بازگرداند.

عقلانیت و تفکر فلسفی امروز یکی از مهم‌ترین مسائل و ابزاری است که برای پیشرفت و آغاز دوران مدرن به آن نیاز داریم، به نظر می‌رسد برای آشنایی با عقل مدرن و آموختن شیوه تفکر جدید فلسفی، بیش از هر کاری لازم است که جناب دکارت و به خصوص «گفتار در روش» به عنوان نمونه‌ای مناسب برای آموزش شیوه‌ی تفکر فلسفی را شناخت. برای ما که سال‌هاست شیوه تفکر و کاربرد عقل را به فراموشی سپرده‌ایم، این امر به مراتب ضروری‌تر است.

دکتر کریم مجتهدی در مصاحبه‌ای، وضع فعلی ما را اینگونه ارزیابی می‌کند: «فاجعه در نظر من این نیست که چرا در ایران هگل و کانت و دکارت را نمی‌فهمند، به جهنم که نمی‌فهمند؛ فاجعه این است که عمق فرهنگ خودمان مخفی است.»^۲ خواندن و فهمیدن گفتار در روش و آشنایی با روشی که جناب دکارت در چگونگی هدایت و راهنمایی عقل ارائه کرده، ممکن است ما را از این وضعیت خارج کند.

۱ دکارت، رنه گفتار در روش

۲ مصاحبه با کتاب ماه فلسفه شماره ۶۴

امروز وقتی ما کتاب «گفتار در روش» را در دست می‌گیریم باید به چند نکته توجه کنیم؛ اول آنکه ۳۷۶ سال از چاپ آن می‌گذرد.

دوم اینکه کتابی که با نام **Discourse on the Method** بدون نام مولف منتشر شد، با چیزی که امروز ما به این نام می‌شناسیم، بسیار متفاوت بود. سوم اینکه گفتار در روش با وجود آنکه مدخلی به علم نوین، عقل مدرن و بشارت دهنده‌ی انقلاب‌های فکری مهمی است، در آن دوران، تنها یک مقدمه بود. چهارم اینکه دکارت سال ۱۶۳۷ همان دکارت چند سال بعد یعنی فیلسوف بزرگ و نخستین متفکر زمان خود نبود.

پنجم مردم هنوز کتابی علمی به زبانی که با آن تکلم می‌کنند، ندیده بودند. ششم رد نظر پذیرفته شده، دست زدن به کاری خطرناک و غیر معمول بود. هفتم امروز بیش از سه سده است تفکرات ما اماتر از دکارت است. جالب است اولین آشنایی ایرانیان با فلسفه غرب و نخستین ترجمه‌ی آثار علمی و فلسفی اروپا به فارسی نیز همین کتاب گفتار در روش بوده که به توصیه کنت گوینو سفیر فرانسه در ایران و به دست ال‌عازار رحیم موسائی همدانی (ملا لاله زار) ترجمه و در سال ۱۲۴۱ شمسی با نام «حکمت ناصریه» منتشر شد. سپس افضل الملک و بعد مرحوم محمد علی فروغی به ترجمه آن دست زدند. از این رو برای بررسی هر چه بهتر کتاب «گفتار در روش» جناب دکارت شیوه مطالعاتی ذیل توصیه می‌شود:

در ابتدا باید آشنایی مختصری با زندگی و شیوه رفتار جناب دکارت، پیدا کرد؛ سپس جایگاه فلسفه در نظر او را بررسی کرد؛ بعد نگاهی به جایگاه و هدف از تالیف کتاب «گفتار در روش» انداخت، بعد به پدیدارشناسی فصل به فصل آن پرداخته در ضمن آن موضوع «می‌اندیشم، پس هستم» را در جایی که از آن صحبت می‌کند

بررسی کرد؛ علاوه بر این برای ما ایرانی‌ها لازم است نگاهی هم به ترجمه‌ها و تاثیر این کتاب در زبان و فرهنگ فارسی داشته باشیم.

درسنامه‌ی «گفتار در روش» علاوه بر موارد بالا به بررسی و بازخوانی ترجمه‌هایی که تا کنون از این کتاب به فارسی منتشر شده، می‌پردازد.

متن استفاده شده برای بررسی کتاب «گفتار در روش» ترجمه جدیدی از این اثر است که از روی نسخه انگلیسی ترجمه یان جانستون (Ian Johnston) که در سال ۲۰۱۰ میلادی توسط دانشگاه ونکوور کانادا منتشر شده، به فارسی برگردانده و در بیشتر موارد هم با متن فرانسه مقابله شده است؛ زیرا با توجه به تغییراتی که زبان فارسی در این چند دهه داشته، تکرار آنچه در گذشته گفته شده، چندان منطقی به نظر نمی‌آید. با توجه به دغدغه‌ای که جناب دکارت در خصوص زبان و همه فهم بودن آن داشته، لازم است زبان نوشته‌ی او نیز امروز به زبانی برگردانده شود که برای عموم مردم زبان مقصد قابل درک باشد. باید در نظر داشت که ترجمه تنها برگرداندن کلمات یا جمله‌های زبان بیگانه به زبان مقصد نیست، در دیدگاه جدید، زبان نه فقط به عنوان ابزار اصلی ارتباطات بلکه به صورت ظرف اصلی و فعال اندیشه‌ی انسانی مطرح شده اما نباید آنرا فقط ظرف و قالبی برای اندیشه دانست، بلکه باید پذیرفت که زبان در حقیقت خود اندیشه است و اگر به زبان تنها به عنوان یک ابزار نگاه کرده و هدف اندیشنده را از آن کنار گذاشته و فقط در بند ترجمه به عنوان وسیله‌ای قابل اطمینان برای انتقال یک اندیشه به اندیشه‌ی دیگر باشیم، هرگز نخواهیم توانست به یک اندیشه قابل اعتنا برسیم.